

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۶، شماره ۶۱، پاییز ۱۴۰۳، صص ۲۷۲-۲۹۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۱۴

(مقاله پژوهشی)

DOI:

۲۷۲

بررسی فرافکنی در قالب تمثیل در منطق الطیر عطار نیشابوری

فرشته ربیع^۱، دکتر عالیه یوسف فام^۲، دکتر افشین طیبی^۳

چکیده

فرافکنی در رفتار، گفتار و احساسات افراد و بخصوص در ادبیات فارسی وجود دارد و آثار آن در ارتباطات انسان با افراد و با جهان بیرون مشهود است که در قرون اخیر به عنوان یکی از مباحث علم روانشناسی مطرح شده است. رد پای این مفهوم در آثار کلاسیک بخصوص منطق الطیر عطار نیشابوری در شرح ماجرای سی مرغ در جستجوی سیمرغ دیده می شود؛ پرندگانی تمثیلی و نمادین که به دنبال محبوب ازلی و ابدی رهسپار سفری پر مخاطره هستند؛ گروهی از پرندگان بر حسب بینش درونی خود از رفتن در این راه امتناع می کنند و مطلوب غیر حقیقی را بر می گیرند و پندار خود را به محبوب حقیقی فرافکنی می کنند و در نهایت گروهی اندک به محبوب می رسند. روش تحقیق در این پژوهش بر مبنای هدف، توصیفی-تحلیلی است. یافته ها نشان می دهد که شکل فرافکنی با توجه به نمادین بودن شخصیت ها متفاوت است و از آنجایی که وحدت موضوع در کل اثر وجود دارد نوع فرافکنی ها نیز از یک موضوع یکسان تبعیت می کند که در قالب جهان بینی های مختلف شخصیت ها مطرح شده است. در نتیجه هر کدام از شخصیت ها به نوعی ویژگی ها، افکار و احساسات خود را به مطلوب فرافکنی کرده اند و به سرکوبی یا انکار توانایی های خود پرداخته اند.

کلیدواژه ها: روانشناسی، فرافکنی، عطار نیشابوری، منطق الطیر، تمثیل.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

f.rabie.lit@iauctb.ac.ir

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Alieh.youseffam@iau.ac.ir

^۳ استادیار گروه روانشناسی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه خوارزمی، قشم، ایران.

Afshin.tayyebi@iranian.ac.ir



مقدمه

خط سیر اصلی منطق الطیر بر اساس یک داستان واحد (مرغان) شکل می‌گیرد و محوریت اصلی داستان بر اساس «یکپارچگی» است. عطار برای رسیدن به این یکپارچگی شناخت درست را اولین گام برای آغاز این مرحله معرفی می‌کند. عدم درک و شناخت باعث می‌شود که افراد در انتخاب میان حقیقت و شبه حقیقت دچار گمراهی شوند. گام دوم اصلاح نگرش است در راستای کمال و نیل به مقصود، پاک‌سازی درون، ارتقاء اوصاف مثبت و پرورش آن از عوامل مهم محسوب می‌شود.

عطار برای نشان دادن این منظور، بهانه‌ها و عذرهای پرندگان را به‌خوبی بیان می‌کند. پرندگانی که هر کدام تمثیل و نمادی از دسته‌ها و گروه‌های انسانی هستند که از این میان هدهد راهنمای آنان است و آن‌ها را در راه رسیدن به سیمرغ رهبری می‌کند. آن‌ها به ارزش خود پی نبرده‌اند و با سرکوب خود از وصال سیمرغ دوری می‌جویند و گمان می‌کنند که مطلوب همان محبوب است. اغلب پرندگان خود را عاجز از رسیدن به درگاه سیمرغ می‌دانند بنابراین به مطلوب خود بسنده می‌کنند در واقع آنچه را که درک کرده‌اند بر اساس نگرش درونی خود به حقیقت مطلوب (سیمرغ) که نمادی از خداوند است در اصطلاح روانشناسی فرافکنی می‌کنند. هدهد سعی دارد تا آن‌ها را آگاه کند زیرا او خود به این آگاهی دست یافته است.

بر اساس دیدگاه روان‌شناسان، انسان باید به یکپارچگی برسد و برای رسیدن به آن می‌باید آنچه را که در درون اوست و انکار می‌کند بپذیرد و سپس برای مقابله با آن آماده شود. مشابه این امر نیز در داستان مرغان قابل رویت است که پرندگان خود را لایق دیدار و وصال سیمرغ نمی‌دانند و این وجه از شخصیت خود را انکار می‌کنند و تنها آن قسمت از درون‌نگری‌هایی را که به مطلوب خود فرافکنی کرده‌اند می‌بینند که همان نیز با نقص‌های فراوانی همراه است. زمانی که فرد به قضاوت خود می‌پردازد نسبت به دیگران نیز پیش‌داوری می‌کند.

این مقاله از این نظر حائز اهمیت است که از منظر روانشناسی در حوزه فرافکنی به تحلیل تعبیر و اندیشه‌های شخصیت‌های نمادین و تمثیلی غیرانسانی در خصوص خداوند می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سوال است که فرافکنی در قالب تمثیل و نماد در منطق الطیر عطار نیشابوری چگونه مطرح شده است؟

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق شامل مقالاتی نظیر: «نگرشی عرفانی - روان‌شناسی بر مفهوم فرافکنی در غزلیات شمس» که در آن «مفهوم فرافکنی، منبع و سرچشمه فرافکنی و علل بروز در غزلیات شمس ذکر شده‌است.» (کاظم‌خانلو و بیرانوند، ۱۳۹۳: ۷۷)، «چند مفهوم روان‌شناسی در اندیشه‌های مولوی»؛ «در این مقاله انعکاس چندین مفهوم روان‌شناختی در آثار نمادین مولانا به ویژه در تمثیل‌های نمادین او در مثنوی، ردیابی و بررسی شده‌است.» (کتابی، ۱۳۸۶: ۵۵۴) «فرافکنی در غزلیات سنایی» این پژوهش اشاره دارد به فرافکنی‌های عاشق به معشوق، تقدیرگرایی، مقصر دانستن روزگار و قضا و قدر و فرافکنی‌هایی که خود سنایی داشته است. (ر.ک: عباسی شکرباغانی، ۱۳۹۵: ۲۳۶۳)، «فرافکنی و شخصیت‌بخشی در شعر حافظ» نتیجه‌ای که از این پژوهش می‌توان استنباط کرد آن است که شخصیت‌بخشی اشکال مختلفی دارد و زمانی که فرافکنی به عنوان منشاء شخصیت‌بخشی باشد در قالب کلمات و به شکل ایهام نمایان می‌شود. (ر.ک: محمدی آسیابادی، ۱۳۸۵: ۱۳۲)، «فرافکنی در داستان شیر و نخچیران مثنوی» این پژوهش اشاره دارد به این‌که پیش از فرافکنی انسان باید به خود بنگرد (ر.ک: آموزگار، ۱۳۸۹: ۳۱)، کتاب «فرافکنی در فرهنگ و ادب فارسی» به طور مختصر به مفهوم فرافکنی در فرهنگ و ادب فارسی پرداخته است. (ر.ک: کتابی، ۱۳۸۳: ۱)، پایان‌نامه «فرافکنی در مثنوی معنوی» نتایج این پژوهش حاکی از آن است که فرافکنی در مثنوی مولوی به طرق مختلف بیان شده‌است؛ گاهی از زبان مولانا و زمانی نیز از زبان شخصیت‌های حکایات. (ر.ک: رحیمی و همکاران، ۱۳۸۶، چکیده) به‌طور کلی در هر یک از موارد مذکور انعکاس مفاهیم فرافکنی بررسی شده‌است اما هیچ‌گونه تطبیق موضوعی و محتوایی با این پژوهش وجود ندارد و تاکنون تحقیقی در خصوص موضوع پژوهش حاضر صورت نگرفته است.

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی یا کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی نوشته شده و بحث فرافکنی به طور عام مطرح شده‌است.

مبانی تحقیق

نماد یا سمبل (Symbol)

نماد دارای معانی گسترده و متعدد است. در نماد، واژه علاوه بر این که معنای حقیقی خود را حفظ می کند بر یک یا چندین معنای مجازی نیز دلالت می کند. از نظر یونگ آنچه سمبل نامیده می شود شامل یک نام، یک اصطلاح یا تصویری است که شاید نماینده چیزی مأنوس در زندگی روزمره باشد و علاوه بر معنی ظاهر و رایج خود، به ویژه دارای معانی تلویحی هم است. سمبل معرف چیزی پنهان مبهم و ناشناخته از ما است. (ر.ک: یونگ، ۱۳۹۵: ۲۳)

انسان برای بیان مفاهیم و معانی مختلف ناگزیر باید از ابزار متفاوتی استفاده کند تا بتواند مفاهیم بیشتری را به مخاطب القا کند در این راستا تمثیل و نماد ابزار قدرتمندی است برای نقد غیرمستقیم انسان هایی که دارای تیپ های شخصیتی متفاوت هستند که در منطق الطیر، عطار به صورت نمادین به آن ها اشاره داشته است تا مردم درک بهتری نسبت به آن داشته باشند.

به طور کلی تمثیل (Allegory) در لغت به معنای تشبیه کردن و مثل آوردن و یا تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر است. «تمثیل ارائه شخصیت، اندیشه یا واقعه است به طریقه ای که هم خودش را نشان بدهد و هم چیز دیگری را، به عبارت دیگر تمثیل یک معنای آشکار دارد و یک یا چند معنای پنهان. در تمثیل، نامحسوس به شکل و کیفیت محسوس ارائه می شود.» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۰۴)

فرافکنی (projection)

«فرافکنی از نظر فروید، مهم ترین مکانیزم دفاعی، پس از سرکوبی است. به آن روش های دفاعی که فرد به وسیله آن به طور ناخودآگاه، تمایلات، عقاید، رفتارها و برداشت های غیرقابل قبول خود را به محیط بیرون از خود نسبت می دهد؛ فرافکنی می گویند. فرد از این طریق، فرد یا افراد یا شرایطی را مسئول کمبودها و محدودیت های وجود خود می داند. برای مثال شخصی که خود دارای احساسات خصمانه شدید است با فرافکنی آن، تصور می کند که دیگران با او دشمن هستند.» (شاملو، ۱۳۷۴: ۳۷) «فرافکنی در حالت خفیف آن نقش بزرگی در عرصه ادب و هنر ایفا می کند و منشأ خلاقیت های شگفت انگیزی می گردد. در آثار دینی و عرفانی نیز تجلیات این مکانیسم بوضوح آشکار است.» (کتابی، ۱۳۸۳: ۴) انواع فرافکنی مرتبط با این پژوهش عبارتند از: «فرافکنی ادراکی»، «فرافکنی تفسیری» و «فرافکنی آرزویی»:

در خصوص فرافکنی ادراکی (Projection Perceptive) در ادبیات فارسی بهرامی به این نکته اشاره دارد که: «در ادبیات فارسی نکته های بسیاری را می توان یافت که از دیرباز به طور ضمنی

به سازوکار فرافکنی اشاره دارند. بررسی مقدماتی ضرب‌المثل‌ها، اسطوره‌ها، اشعار و حکایات نشان می‌دهد که شعرا و نویسندگان ایرانی از آن غافل نبوده، هر جا که فرصت یافته‌اند به آن پرداخته‌اند. به چند نمونه از آن‌ها توجه کنیم: از کوزه همان برون تراود که در اوست:

...داستان کر و به مهمانی رفتن او و آماده کردن پاسخ‌های از پیش ساخته در جواب سؤالات احتمالی، نمونه دیگری از فرآیند فرافکنی را در زندگی روزمره انسان‌ها نشان می‌دهد. در همه این ضرب‌المثل‌ها یا تمثیل‌ها به طوری که ملاحظه می‌شود، شخصیت فرافکنی‌کننده نقش دارد و پدیده فرافکنی شده با در نظر گرفتن ویژگی‌های آن قابل تفسیر است. (بهرامی، ۱۳۸۳: ۱۹)

فرافکنی تفسیری (Projection Interpretative)

این نوع فرافکنی از سال ۱۹۳۵ با انتشار آزمون «اندریافت موضوع» (Thematic Apperception Test) از سوی موری (Murray) و مورگان (Morgan) متداول شد. (همان: ۱۲) و «مفهوم اندریافت به معنای درک چیزی در زمینه تجربه‌های گذشته است. به عبارت دیگر اندر یافت یعنی این‌که آزمودنی در یک موقعیت معین معنایی بیشتر از آنچه خود آن موقعیت نشان می‌دهد درک کند. چون تجربه‌های گذشته افراد متفاوت است، هر کس به فراخور تجربه‌های خود موقعیت را تفسیر می‌کند و در نتیجه محتوای ذهنی خود را آشکار می‌سازد در واقع هر آزمودنی خود را به جای شخصیت موجود در داستان می‌گذارد و امیال و آرزوها و ناکامی‌های خود را به او نسبت می‌دهد. به سخن دیگر فرد آنچه را که در درون خود می‌گذرد به بیرون می‌ریزد و روان‌شناس بر اساس گفته‌ها به شخصیت او پی می‌برد.» (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۳)

فرافکنی آرزویی (Wishful Projection)

در این نوع فرافکنی از آزمودنی خواسته می‌شود براساس ضوابطی، آرزوهای خود را فرافکنی کند. (بهرامی، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۵)

بحث

عطار در ابتدای منطق‌الطیر به توصیف مختصری از سیمرغ پادشاه مرغان پرداخته که در عرفان رمزی از ذات پاک خداوند است و او را به نحوی وصف می‌کند که گویی صاحبان معرفت خداوند را توصیف می‌کنند و می‌گویند خدا را نمی‌توان به واسطه عقل و خرد یافت و جان نیز از وصف او ناتوان است و مخلوق به او راه ندارد و همچنین نقش پر سیمرغ بر همه آشکار گشته و همگان را شیفته خود کرده‌است و طالبان را در جستجوی خود می‌کشاند. «عطار چین

را که سرزمین تصاویر و نقش‌های زیبا و رنگارنگ است، جایگاه نمایش اشکال و سایه‌های یک پرتو از پرتو ازلی می‌داند و جهان را سایه آن یک پر.» (فروغی، خالدیان، عباسپور اسفندن، ۱۴۰۱: ۳۳۱)

۲۷۷ حقیقت سیمرغ «از نظر عطار، یعنی به خود رسیدن؛ وقتی که سالک از عقبات گذشت و در هر وادی چیزی را از وجود خویش دور کرد -ترک علایق کرد- و صافی شد، آنگاه او و همه آن‌ها که با اویند به حقیقت یا جوهر سیمرغ دست یافته‌اند.» (اشرف‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۷۳)

در این منظومه، پرندگان تمثیلی از انسان‌ها و سالکینی هستند که برای وصول به حقیقت سفری را شروع می‌کنند تا در راه معرفت به کمال برسند که گویا عطار آن‌ها را می‌شناسد، زمانی که با تک‌تک مرغان به عنوان هدهد و راوی صحبت می‌کند درمی‌یابد که هیچ‌کدام درک درستی از حقیقت سیمرغ (خداوند) ندارند. پرندگان برای وصال به سیمرغ می‌بایست خود، عزم راه کنند اما با وجود طولانی بودن مسیر، برای پرهیز از سفر عذر و بهانه می‌آوردند. «یکی دیگر از شگردهای فرافکنان توجیه‌گری و دلیل‌تراشی است. شخص فرافکن در صدد توجیه عمل ناپسند خود برمی‌آید و گناه و تقصیر خود را ظاهراً مشروع و منطقی جلوه می‌دهد.» (چشمه نور و پویانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

گرچه ره را بود هر یک کارساز هر یکی عذری دگر گفتند باز
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۵)

پرندگان با بیان داستان‌های مختلف، آرزوها و به‌نوعی همه بخش‌های وجودی خود را به مطلوب نسبت می‌دادند و با خود در او روبه‌رو می‌شدند.

فرافکنی ادراکی

در حکایت «پروانگان که از مطلوب خود خبر می‌خواستند» پروانگان تمثیل پاکبازان در عشق هستند که به جستجوی مطلوب خود یعنی شمع می‌روند و هر کدام به اندازه فهم خود به وصف شمع می‌پردازند. در نهایت آخرین پروانه به شمع می‌پیوندد و می‌سوزد.

یک شبی پروانگان جمع آمدند	در مضیقی طالب شمع آمدند
جمله می‌گفتند می‌باید یکی	کاو خبر آرد ز مطلوب اندکی
شد یکی پروانه تا قصری ز دور	هر یکی عذری دگر گفتند باز

بازگشت و دفتر خود باز کرد وصف او، بر قدر فهم، آغاز کرد...
(عطار، ۱۳۹۷: ۴۱۵-۴۱۶)

این داستان به نوعی یادآور داستان «فیل در خانه تاریک» مولوی است. «داستان تمثیلی» فیل اندر خانه تاریک» مولوی را می توان گونه ای از فرافکنی ادراکی دانست. ...

صحنه آرای مولوی در این تمثیل و انتخاب حیوان غیرمتعارفی همچون فیل در خانه تاریک شباهت زیادی به ابهام محرک در آزمون های فرافکنی دارد. (بهرامی، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰)

فرافکنی تفسیری و آرزویی

در داستان پرندگان، شواهد متعددی وجود دارد که مشخص می کند عطار متوجه این مسأله شده است که بسیاری از آرزوهای افراد ریشه در شخصیت آن ها دارد و در واقع منعکس کننده بینش درونی آن هاست. پرندگان نمادین، آرزوها و صورت آرمانی خود را ناخودآگاه به محیط پیرامون خود و دیگران، تحت عنوان مطلوب نسبت دادند که فرافکنی آرزویی نامیده می شود. در عین حال عطار با نگاهی ژرف نگرانه و روانکاوانه تصویری از سیمرغ (خداوند) را نمایان می کند تا پرندگان نمادین بر اساس برداشتی که از آن تصویر دارند؛ داستان های ابداعی خود را بیان کنند که در این حالت آن ها خود را در داستان های خود فرافکنی می کنند به صورتی که عطار می تواند با تجزیه و تحلیل اظهارات آن ها به تعارض ها، گرایش ها و لایه های پنهان شخصیت آن ها پی ببرد که از نظر روان شناسان فرافکنی تفسیری است. در حکایت «بلبل»، عطار «بلبل را نمودار جمال پرستان معرفی می کند.» (فروزانفر، ۱۳۹۷: ۳۵۵) و برون نگر است و به دلیل صعب بودن و دوری مسیر از رفتن امتناع می کند و بهانه می آورد که عاشق گل است و طاقت سیمرغ ندارد.

در سرم از عشق گل سودا بس است زان که مطلوبم گل رعنا بس است
طاقت سیمرغ ندارد بلبلی بلبلی را بس بود عشق گلی
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۵)

عذر بلبل در این است که به عشق گل گرفتار است و دیدن او راه حلی برای مشکل اوست و هدهد پی می برد که مطلوب بلبل چقدر حقیر است زیرا او تنها به عشق گلی بسنده کرده است و آن را مطلوب خود می داند و همین که گل بر روی او می خندد برای او کافی است و با آن زندگی می کند. بلبل سخنان خود را درست می داند و بر آن پافشاری می کند و منطق خود را

می‌پذیرد و حتی تحمیل می‌کند. او آرزوها و تمایلات خود را به مطلوب نسبت می‌دهد و عشق خود را اصلح می‌داند و به دنبال بهانه‌ای است تا برگردد.

گل که حالی بشکفت چون دلکشی از همه در روی من خندد خوشی...
کی تواند بود بلبل یک شبی خالی از عشق چنان خندان لبی؟

(همان: ۲۶۶)

«دهد جواب می‌دهد که صورت در معرض زوال است و آنچه زوال می‌پذیرد کاملان را ملال می‌آورد.» (فروزانفر، ۱۳۹۷: ۳۵۶) و بلبل گرفتار ظاهر و محدودیت خود شده‌است و به اندازهٔ بینش خود مطلوب را می‌بیند و درک می‌کند و به بلبل می‌گوید که حتی شناخت تو نسبت به گل نیز نادرست است زیرا گل در تو نمی‌خندد بلکه به تو می‌خندد.

دهدش گفت ای به صورت مانده باز بیش از این در عشق رعنایی مناز...
درگذر از گل که گل هر نوبهار بر تو می‌خندد نه در تو، شرم دار!

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۶۶)

در حکایت «صعوه»، صعوه نمودار افرادی است که به بهانهٔ ضعف بشری طالب دیدار خداوند نمی‌شوند و می‌گویند توانایی رفتن در این راه را ندارند. (ر.ک. فروزانفر، ۱۳۹۷: ۳۶۰) و نمی‌تواند به وصال سیمرغ دست یابد. صعوه گرفتار یوسف خویش است و این مطلوب اوست:

من نه پر دارم نه پانه هیچ نیز کی رسم در گرد سیمرغ عزیز...
چون نیم من مرد او، این جایگاه یوسف خود باز می‌جویم ز چاه

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۷۸-۲۷۹)

مقصود عطار آن است که آفت‌های طلب فراوان است اما کسی که در طلب سیمرغ است باید که معاذیر را زیر پا بگذارد و جانبازی برگزیند و به مطلوب بی‌ارزش و خوار مایه بسنده نکند. (ر.ک: فروزانفر، ۱۳۹۷: ۳۶۰) دهد می‌گوید تو گرفتار سالوسی و شایستهٔ من نیستی و باید از آن دست برداری و عزم راه کنی. صعوه امیال، آرزوها و خصایص خود را به مطلوب نسبت داده و از حقیقت مطلوب دور مانده است.

جمله سالوسی تو، من این کی خرم نیست این سالوسی تو در خورم...
گر تو یعقوبی به معنی فی‌المثل یوسف ندهند کمتر کن حیل

(عطار، ۱۳۹۷: ۲۷۹)

در بحث «سؤال کردن طیور از هدهد» اغلب پرندگان با توجیه، قصور و عدم حضور خود را در مسیر جستجوی سیمرغ به گونه‌ای منطقی جلوه می‌دادند «مرغان می‌پرسند که ما با این ضعیفی و بی‌بال و پری به سیمرغ عالی مطاف چگونه توانیم رسید، آخر ما را بدو چه نسبت است.» (فروزانفر، ۱۳۹۷: ۳۶۰) عطار با بیان تمثیل پرندگان به انتقاد گروه‌های مختلف مردم می‌پردازد که در میان جهل، بینش و نگرش نادرست خود گرفتار شدند و به قطره‌ای ناچیز اکتفا کردند.

هر کسی را بود عذری تنگ و لنگ این چنین کس کی کند عنقا به چنگ
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۸۰)

در ادامه پرندگان خطاب به هدهد می‌گویند:

ما همه مشتی ضعیف و ناتوان بی‌پر و بی‌بال، نه تن نه توان
کی رسیم آخر به سیمرغ رفیع گر رسد از ما کسی، باشد بدیع
نسبت ما چیست با او، بازگوی زان‌که نتوان شد بعمیا رازجوی
گر میان ما و او نسبت بُدی هر یکی را سوی او رغبت بُدی
(همان)

این سخنان مرغان از طرز تفکر و قضاوت نادرست آن‌ها نسبت به خودشان نشأت گرفته‌است و آنچه در درونشان می‌پروراندند به مطلوب فرافکنی کردند. در شرح سفر مرغان که برای پیدا کردن سیمرغ به راهنمایی هدهد طی طریق می‌کردند؛ تنها «سی مرغ» باقی ماندند.

ور نظر در هر دو کردندی بهم هر دو یک سیمرغ بودی بیش و کم
(عطار، ۱۳۹۷: ۴۲۶)

آن‌ها به نوعی ویژگی‌های شخصیتی، ادراک ذهنی و آرزوهای خود را بر مطلوب فرافکنی می‌کردند. سیمرغ همان سی مرغ است و تمایز میان آن‌ها آهنگ کلام و گسلی است که در واژه سی مرغ وجود دارد که سرانجام سی مرغ در سیمرغ رنگ باختند و به فنا رسیدند و چون از من خود رهایی یافتند من در او محو شد.

انسان چون نمی‌تواند به ذات اقدس خداوند پی ببرد و وجودش را بشناسد او را به مثابه خود متصور می‌شود یعنی تمام افکار و ویژگی‌های خود را به خدا فرافکنی می‌کند. خداوند در آینه جان ما باز می‌تابد به هر میزان آینه جان ما کوچکتر باشد سهم ما نیز از آن وجود متعال و

بی‌نهایت کمتر خواهد بود اگر ما سهم بیشتری را طالب هستیم می‌بایست وجودمان را وسعت بخشیم. در داستان پرندگان، در نهایت سی مرغ خدا را به چشم سیمرغ می‌بیند.

فرافکنی سایه

در کتاب «نیمه تاریک وجود» اشکال مختلفی از «سایه» مطرح شده‌است که هم جنبه‌های مثبت و هم منفی دارد که جنبه‌های منفی «سایه، چهره‌های گوناگونی دارد: ترسو، زیاده‌خواه، خشمگین، کینه‌توز و...» (فورد، ۱۳۹۰: ۲۵) «نخستین گام برای هر فرد آگاه شدن از سایه (shadow) شخصی و جمعی وجود خویش است. ... یونگ می‌گوید هرگاه فرد در یک توده غرق شود «سایه» به سهولت به شکل جمعی خود پسرفت می‌کند و در این حال حتی می‌تواند در سیمای یک انسان یا گروه مشخص تجسم یابد. ممکن است چنان حسی از قدرتمندی و بهره‌مندی از انرژی فعال در فرد یا گروه بوجود آید که خود را ابرمرد و خداگونه احساس کند. از سوی دیگر ممکن است برملا شدن سببیت بدوی و نیروی سایه موجب رخوت روانی و نوعی حس روان‌شناختی حاکی از بی‌فایدگی و ناتوانی گردد. اما با فرافکنی سایه چه باید کرد؟ هرچند به باور یونگ دست‌کشیدن از آن نه ممکن و نه مطلوب است ولی می‌توان از فرآیند فرافکنی آگاه‌شد و احتمالاً تظاهرات حادّ و مخرب آن را تعدیل کرد.» (اوداینیک، ۱۳۷۸: ۴۲)

در حکایت «همای»، «هما نمودار افرادی است که دلباخته اقتدار، نفوذ و تأثیر در امور مملکت و اجتماع می‌شوند و می‌خواهند از طریق زهد و عزلت به نوعی در صاحبان جاه و مقام نفوذ داشته باشند، بدین جهت هما می‌گوید که رنج بسیار برده و استخوانی به سگ نفس داده است و به این‌خاطر سایه‌اش همایون است و با سیمرغ کاری ندارد و شاه نشانی او را کفایت است. (ر.ک: فروزانفر، ۱۳۹۷: ۳۵۸) و سیمرغ یار هم‌چو اویی نخواهد شد. هما آرزو و امیال خود را به مطلوب نسبت داده و با تصویری که از مطلوب در ذهن دارد به تفسیر داستانی از آن پرداخته‌است که او از منظر خود نگریسته نه آن‌گونه که هست. در این حکایت علاوه بر اینکه فرافکنی پرندۀ هما به صورت آرزویی و تفسیری است به فرافکنی که پدیدۀ اصلی و عمده سایه است پرداخته شده‌است:

کی شود سیمرغ سرکش یار من بس بود خسرونشانی کار من
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۷۳)

دهد پاسخ می‌دهد که با وجود این که سایه تو پادشاهی را عطا می‌کند اما آن پایدار نخواهد بود پس در حال خود اندیشه کن و به بدبختی خود نگر. (ر.ک: فروزانفر، ۱۳۹۷: ۳۵۸) از نظر دهدد، هما در بند غرور خویش گرفتار است. غرور صفت و جنبه منفی خودبینی را در ذهن متواتر می‌کند که سبب عدم دریافت و فهم درست حقیقت مطلوب می‌شود. هما با اظهارات خود، پستی درونش را نمایان می‌کند و آن را در مفهومی به نام «مطلوب» فرافکنی می‌کند.

دهدش گفت ای غرورت کرده بند سایه درچین، بیش ازین بر خود مخند
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۷۳)

فرافکنی پدیده اصلی و عمده سایه است که ما با به کاربردن دانسته‌های خود جنبه‌های پنهان سایه خود را آشکار کنیم و به تدریج مالک آن می‌شویم و مسئولیتشان را بر عهده می‌گیریم. پس آن جنبه‌هایی را که به دیگران انتساب کرده‌اید به عنوان قسمتی از وجود خویش در اختیار بگیرید. (ر.ک. فورد، ۱۳۹۰: ۲۲) «اما فقط ویژگی‌های منفی، تاریک و نفی شده نیستند که به اعماق سایه راه پیدامی‌کنند، بلکه سایه روشن نیز وجود دارد. (ر.ک: همان، ۳۳) بنابراین: «هدف از کارکردن بر سایه، یکپارچه شدن و پایان دادن به درد و رنج است؛ پایان دادن به پنهان شدن از خود و در نتیجه پنهان شدن از دیگران.» (همان: ۱۸)

نور و روشنایی و... جزء سایه‌های مثبت وجود ما هستند که منشأ آن از ذات پاک خدا است و تنها کسانی از موهبت آن بهره می‌یابند که آن را بشناسند و برای متعالی شدن اقدام کنند به حقیقت مطلوب پی می‌برند. عطار صراحتاً بیان می‌کند زمانی که دانستید هرآنچه در این جهان است منشأ آن خداوند است در آن صورت هرچه به او منسوب کردید درست خواهد بود.

صورت مرغان عالم سربه‌سر سایه اوست این بدان ای بی‌خبر
این بدان چون این بدانستی نخست سوی آن حضرت نَسَب کردی درست
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۸۱)

از نظر عطار عشق از نگاه بد دلان نیکو نخواهد بود و حقیقت مطلوب را کسانی درک می‌کنند که سایه‌ای پاک دارند. دهدد جواب می‌دهد که عاشقی با بد دلی سازگار نیست، مرد عاشق پای در میدان می‌گذارد و نسبت سیمرخ با ما در آن است که او نقاب از رخ برداشته و سایه اوست که بر خاک افتاده و تمام مرغان از سایه او نمایان شدند بدین معنی که نسبت ما به او نسبت ظلّ به ذی ظلّ است و هر زمان این امر آشکار گردد پیوستگی ما به او درست است.

هدهد آنگه گفت که ای بی‌حاصلان عشق کی نیکو بود از بد دلان...
صد هزاران سایه بر خاک او فکند پس نظر بر سایه پاک او فکند
سایه خود کرد بر عالم نثار گشت چندین مرغ هر دم آشکار
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۸۱)

۲۸۳

چون چشمان ما تاب دیدار جمال او را ندارد آینه‌ای ساخته تحت عنوان دل تا او را در آن
آینه بنگریم زیرا از هر دل راهی به سوی حق وجود دارد.

هست راهی سوی هر دل شاه را لیک نبود زان خبر گمراه را
(همان: ۲۸۳)

عطار می‌گوید اگر شما دیده‌ای سیمرغ بین ندارید بدین خاطر است که دلتان چون آینه منور
نیست زیرا تنها از راه دل است که می‌توان روی سیمرغ را نگرست و آن را درک کرد. «کار
کردن روی سایه، کاری فکری نیست بلکه سفری از ذهن به سوی قلب می‌باشد.» (فورد، ۱۳۹۰: ۲۶)
و همچنین «فقط کافی است دیدگاه خود را دگرگون نمایید و قلبتان را باز و پذیرا کنید.
هنگامی که بتوانید تاریک‌ترین ویژگی‌های خود را با روی گشاده بپذیرید... می‌توانید به
روشن‌بینی حقیقی برسید. ... شنیده‌ام که می‌گویند کار بر سایه مبارزه از راه دل است.» (همان
۳۱: ۳۱) بنابراین باید دل را از هر نوع آلاشی پاک کرد. از نظر عطار سایه بی‌آلایش و پاک و
تطهیر یافته می‌تواند به این درک عظیم یعنی شناخت حقیقت مطلوب دست یابد:

هست از آینه دل، در دل نگر تا ببینی روی او در دل مگر
(عطار، ۱۳۹۷: ۲۸۱)

در نهایت مرغان به این درک می‌رسند که پندارشان نسبت به مطلوب براساس نگرش درونی و
حاصل از فرافکنی آن‌هاست:

دل به کل از خویشتن برداشتیم نیست زان دست این‌که ما پنداشتیم
(همان: ۴۲۳)

در جدول ۱-۱- به صورت اجمالی، پرندگانی که شرح حکایت آن‌ها بیان شد از نظر نوع
پرنده، نماد، مطلوب مورد ستایش، نوع فرافکنی و در نهایت پاسخ هدهد برای انتخاب مطلوب
نشان داده شده‌است. با تحلیل حکایات مرغان، بهترین پرندگان از نظر عطار «هدهد» (انسان
کامل) است که بالاترین مرتبه را در میان مرغان دارد که به اصلاح نگرش و اعمال پرندگان

می‌پردازد. مطلوب او سیمرغ (خداوند) است و «صعوه» بدترین نوع از انواع پرندگان که دارای تزویر و ریا است که به بهانه ضعف بشری طالب دیدار خداوند نمی‌شود. مطلوب او عشق یوسف خویش است. هما و صعوه با تمام پرندگان دیگر متفاوتند زیرا عاشق صفات خود هستند و در سایه درون خود گرفتار شده‌اند. در حکایات پرندگان ۱۱ حکایت از مجموع ۱۷۴ حکایت به فرافکنی شخصیت‌های منطق‌الطیر (پرندگان) مربوط است که ۹ حکایت آن جزء فرافکنی‌های آرزویی و تفسیری است که معادل ۵.۱۷ درصد می‌باشد، ۱ حکایت شامل فرافکنی آرزویی و تفسیری و هم فرافکنی سایه است که معادل با ۰.۵۷ درصد است و ۱ حکایت به فرافکنی ادراکی اختصاص دارد که ۰.۵۷ درصد را شامل می‌شود که در مجموع ۶.۳۲ درصد را تشکیل می‌دهد.

جدول ۱-۱- فرافکنی شخصیت‌های منطق‌الطیر (پرندگان نمادین)

حیوانات	نماد- تمثیل	مطلوب	جواب هدهد	انواع فرافکنی	تعداد حکایات	مجموع کل حکایات	درصد فرافکنی
هدهد	پیامبرگونه- انسان کامل	سیمرغ	-	-	-	-	-
بلبل	جمال پرستان	گل	بلبل گرفتار صورت و ظاهر گشته است و صورت در معرض زوال است و آنچه زوال می‌پذیرد کاملاً را ملال می‌آورد	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷
طوطی	نمودار کسانی که بر دوام و حیات جاوید عشق می‌ورزند و به دنبال آب حیاتند	آب حیات	تو آب حیوان خواهی و جان دوستی، جان برای آن است که در راه جانان نثار کنند	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷
طاووس	نمودار افرادی که عبادت می‌کنند و امیدوارند که به بهشت برسند	بهشت	بهشت جایگاه نفسانیان است و دل در معقد صدق و رضوان الهی جایگزین می‌شود و اگر چنین باشد پس خانه از خداوند خانه بهتر است	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷
بط	نمودار طبقه‌ای از عباد است که به وسواس در تطهیر به وسواس گرفتار بودند و عمر خود را صرف شست و شوی ظاهر می‌کردند	آب	آب جهت ناشسته رویان است، اگر تو هم ناشسته رویی در آب وطن گیر	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷
کیک	نمودار افرادی که گوهر پرستند	طلا و جواهر	کیک را ملامت می‌کند که پا و مقار تو غرق در خون جگر است و تو دل‌بسته سنگ شدی و از گوهر حقیقی جدا مانده‌ای. گوهر،	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷

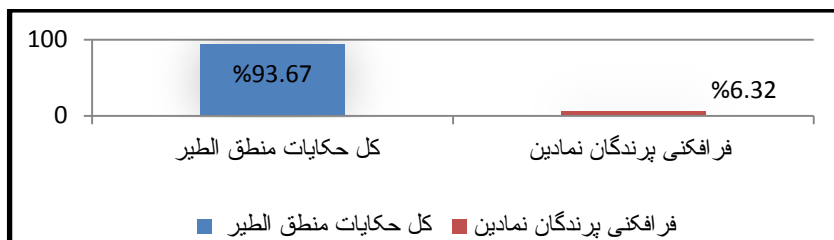
				سنگ رنگینی است که شایسته گی دل بستگی را ندارد.			
همای	نمودار کسانی که دلباخته نفوذ و اقتدارند	خویشتن (سایه اش همایون است و شاه نشان)	اگر که سایه تو پادشاهی عطا می کند اما پایدار نخواهد بود پس در حال خود اندیشه کن و به بدبختی خود نگر	آرزوی ی و تفسیری و فرافکنی سایه	۱	۱۷۴	۰.۵۷
باز	نمودار کسانی که در طلب قرب سلطانند و خود را در رنج می تندازند تا طعمه ای و لقمه ای بدست آورند	نشستن بر دست شاه	به شاهان غیر حقیقی دلبسته شده ای و به شاهی که بی همتاست (سیمرغ) عشق نمی ورزی و تقرب سلاطین چون همنشینی با آتش است	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷
بوتیمار	نمودار گرفتار مراتب احوال و اهل حزنند	عشق دریا	دریا حالت پایداری ندارد. زمانی رونده و گاهی آینده است و خود منقلب چیزی است و هر چه در این صفت است مطلوب نمی تواند باشد.	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷
کوف	نمودار گوشه نشینان است که به دنبال گنج در ویرانه گوشه نشینی و عزلت هستند	عشق گنج	عشق زر و گنج هم کافری است و کسی که عاشق زر باشد صورتش تبدیل و دلش فسرده و بی جان می شود.	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷
صعوه	نمودار افرادی است که به بهانه ضعف بشری طالب دیدار خداوند نمی شوند و توانایی رفتن در این راه را ندارند	عشق یوسف خویش	این همه تزویر و سالوس است باید قدم در راه گذاشت و نباید ترسی از جان داشت.	آرزوی ی و تفسیری	۱	۱۷۴	۰.۵۷
پروانه ها	پاکبازان در عشق	شمع	ادراکی	۱	۱۷۴	۰.۵۷	
مجموع				۱۱	۱۷۴	۶.۳۲	

نتیجه گیری

در پاسخ به این سوال که رابطه فرافکنی با پرندگان در منطق الطیر عطار چیست و چگونه می توان این مسأله را تبیین نمود؟ ۱- در داستان پرندگان؛ انسان ها و نوع نگرش آن ها اهمیت دارد نه یک گروه خاصی از پرنده ها که این امر بخواهد دلیلی بر رد فرافکنی در این زمینه محسوب شود. در حقیقت داستان پرندگان با کلام هدهد مبنی بر جستجوی پادشاهی تحت عنوان سیمرغ (خداوند) شروع می شود و بیان نگرش هر یک از مرغان که ناآگاهانه و ناخودآگاه صورت می گیرد مبین این مطلب است. ۲- گفتگوهای میان هدهد و پرندگان سبب شده که نگرش و ادراکات و تمایلات درونی آن ها آشکار شود که نگرشی فرافکنانه است زیرا آن ها از دریچه نگاه خود می نگرند و آن را به مطلوب نسبت می دهند و از حقیقت، دور مانده اند. هدهد به کُنه این مطلب اشراف پیدا کرده است و در صدد آن است تا با بیان حکایات در خلال

گفتگوها بینش نادرست آن‌ها را اصلاح کند. ۳- فرافکنی پرندگان نمادین با استفاده از شیوه‌هایی مثل توجیه، انکار، سرکوب، عذرآوری و یا موجه جلوه‌دادن امری، صورت گرفته‌است. آن‌ها اعتقادشان را اصلح می‌دانستند و بهانه می‌آوردند تا برگردند، انعطاف نداشتند و بر نظرات و نگرش خود پافشاری و آن را تصدیق می‌کردند و به جمع تعمیم می‌دادند. بنابراین فرافکنی، همان سوگیری‌ها و برداشت تحریف شده آن‌هاست که به حقیقت مطلوب نسبت می‌دادند ۴- از نظر عطار بهترین نوع از انواع پرندگان «دهد» نماد انسان کامل، پیامبرگونه، رهبر است که بالاترین مرتبه را در میان مرغان دارد و به اصلاح نگرش و اعمال آن‌ها می‌پردازد. مطلوب او سیمرغ (خداوند) است و صعوه بدترین نوع از انواع پرندگان است و نماد کسانی است که دارای تزویر هستند و پایین‌ترین درجه را در بین پرندگان دارد و مطلوب او عشق یوسف خویش است. به‌طور کلی هریک از مرغان به نوعی ویژگی‌های خود، افکار و تمایلات و آرزوهای خود را به مطلوب نسبت داده‌اند به آن فرافکنی کردند که شامل فرافکنی ادراکی، آرزویی و تفسیری و فرافکنی سایه است. در عین حال آن‌ها توانایی‌های خود را سرکوب و یا آن را در وجود خود انکار کردند. ۵- فرافکنی پدیده اصلی و عمده سایه است. غرور صفت و جنبه منفی و جزء سایه‌های تاریک است که مانع از درک درست حقیقت مطلوب می‌شود مانند پرندۀ هما و صعوه که اسیر سایه‌های درون خود هستند. اما فقط ویژگی‌های منفی، تاریک و نفی شده نیستند که به ژرفای سایه راه پیدا می‌کنند، بلکه سایه روشن مثل نور، روشنائی و... جزء سایه‌های مثبت در وجود ما هستند که منشأ آن از ذات پاک خداوند عالی‌مرتبه است و تنها کسانی می‌توانند از موهبت آن بهره یابند که آن را شناخته و برای متعالی‌شدن گام نهاده‌اند که این امر به شناخت حقیقت مطلوب منجر می‌شود که عطار به آن اشاره داشته‌است. از نظر تحلیل آماری نمودار ذیل در خصوص درصد فرافکنی پرندگان نمادین در منطق الطیر عطار به اختصار نشان می‌دهد:

نمودار ۱-۱- درصد فرافکنی پرندگان نمادین در منطق الطیر عطار نیشابوری



منابع

کتاب‌ها

- اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۷۳). تجلی رمز و روایت در شعر عطار نیشابوری، تهران: اساطیر.
- بهرامی، هادی. (۱۳۸۳). *آزمون‌های فرافکنی شخصیت*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- چشمه نور، مرتضی، و پویایی، جابر. (۱۳۹۲). *جنگ نرم از تهدید تا واقعیت*، تهران: انتشارات صیاد.
- شاملو، سعید. (۱۳۷۴). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت*، تهران: رشد.
- عطار نیشابوری، محمدبن ابراهیم. (۱۳۹۷). *منطق‌الطیر*، تصحیح دکتر شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۹۷). *شرح/احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری*، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فورد، دبی. (۱۳۹۰). *نیمه تاریک وجود*، ترجمه فرناز فرود، تهران: نشر حمیدا.
- کتابی، احمد. (۱۳۸۳). *فرافکنی در فرهنگ و ادب فارسی*، تهران: علمی و فرهنگی.
- گنجی، حمزه. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی عمومی*، تهران: انتشارات ساوالان.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). *عناصر داستان*، تهران: شفا.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۹۵). *انسان و سمبول‌هایش*، تهران: انتشارات جامی.

مقالات

- آموزگار، شهلا. (۱۳۸۹). فرافکنی در داستان شیر و نخچیران مثنوی مولوی. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد*، ۵ (۱۸ و ۱۹)، ۳۴-۱۱.
- اوداینیک، ولودیمیر. (۱۳۷۸). سیاست و ناخودآگاه. ترجمه علیرضا طیب. *سیاسی-اقتصادی*، ۵۱-۴۲، (۱۵۰ و ۱۴۹).
- عباسی شکرباغانی، سپیده. (۱۳۹۵). فرافکنی در غزلیات سنایی. *یازدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه گیلان*، ۲۳۴۶-۲۳۶۶.
- فروغی شهرام، خالدیان، محمدعلی، و عباسپور اسفند، حسنعلی. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی وادی توحید از دیدگاه مولانا و عطار. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۴ (۵۴)، ۳۱۹-۳۴۱. doi: 10.30495/dk.2022.1954461.2454

کاظم‌خانلو، ناصر، و بیرانوند، نسرين. (۱۳۹۳). نگرشی عرفانی - روانشناسی بر مفهوم فرافکنی در غزلیات شمس. *عرفان اسلامی*، ۱۲، (۴۷)، ۷۷-۹۹.

کتابی، احمد. (۱۳۸۶). چند مفهوم روانشناسی در اندیشه‌های مولوی. *پژوهشی فرهنگ*، (۶۳) و ۶۰۳-۵۵۳.

محمدی آسیابادی، علی. (۱۳۸۵). فرافکنی و شخصیت بخشی در شعر حافظ. *پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تربیت معلم)*، ۱۴، (۵۲ و ۵۳)، ۱۱۱-۱۳۴.

پایان‌نامه‌ها

رحیمی، یدالله و همکاران. (۱۳۸۶). *فرافکنی در مثنوی معنوی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه گیلان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

References

Books

- Ashrafzadeh, R. (1994). *Manifestation of mystery and narrative in Attar Neyshaburi's poetry*, Tehran: Asatir. [In Persian]
- Attar Neyshaburi, M. E. (2018). *Manteqo-al-Teir*, Ed. by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Bahrami, H. (2004). *Personality projection tests*, Publications of Allameh Tabatabai University. [In Persian]
- Carl Gustav Jung, M. L. V. F. (2016). *Man and his symbols*, Tehran: Jami. [In Persian]
- Cheshmeh Noor, M., & Poyaii, J. (2013). *Soft war from threat to reality*, Tehran: Sayyad. [In Persian]
- Ford, D. (2011). *The Dark Side of the Light Chasers*, translated by Farnaz Froud, Tehran: Hamida Publishing. [In Persian]
- Furouzanfar, B. (2018). *Description and criticism of Sheikh farid-oddin Attar Neyshaburi's works*, Tehran: Anjoman-e Asar o Mafakher-e Farhangi.
- Ketabi, A. (2004). *Projection in Persian culture and literature*, Tehran: Scientific and cultural. [In Persian]
- Mirsadeghi, J. (1997). *Story elements*, Tehran: Shafa. [In Persian]
- Shamlou, S. (1995). *Schools and theories in personality psychology*, Tehran: Roshd. [In Persian]

Articles

- Abbasi Shekarbaqani, S. (2016). Projecting in Sanai lyric poems. *Eleventh International Meeting of the Association for the Promotion of Persian Language and Literature*, University of Gilan, 2366-2346. [In Persian]
- Amuzegar, Sh. (2010). A projection in the story of the lion and the Nakhchiran of Mulavi's Masnavi. *the Faculty of Literature and Humanities. Shahrekord University*, 5(19&18), 34-11. [In Persian]
- Foroghi, Sh., Khaledian, M. A., & Abbaspour Esfandan, H. A. (2022). A comparative study of Wadi Tawhid from the perspective of Rumi and Attar.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda), 14(54), 319-341. doi: 10.30495/dk.2022.1954461.2454. [In Persian]

Ganji, H. (2007). *General Psychology*, Tehran, Savalan Publishing House.

Kazem Khanlu, N., & Beyranvand, N. (2014). Mystical-psychological attitude on the concept of projection in Shams lyric poems. *Islamic Mysticism*. 12(47), 99-77. [In Persian]

Ketabi, A. (2007). Some concepts of psychology in Rumi's thoughts. *Culture*, (64 & 63). 603-553. [In Persian]

Mohammadi Asiyabadi, A. (2006). Projecting and characterizing in Hafez's poetry. *the Faculty of Literature and Humanities (Teacher Training)*. 14 (53&52), 134-111. [In Persian]

Udaynik, V. (1999). Politics and the unconscious. Translated by Alireza Tayyeb. *Political-Economic Journal*. (150 & 149) 51-42. [In Persian]

Theses

Rahimi, Y. A., & Qther. (2008). *Projection in the spiritual masnavi*. Master's thesis. Gilan University: Faculty of Literature and Human Sciences. [In Persian]

Investigating Projection in the form of allegory in Mantegho-al-Teir of Attar Neyshaburi

Fereshte Rabi¹, Dr. Alia Youssef Pham², Dr. Afshin Tayyebi³

۲۹۰

Abstract

projection exists in people's behavior, speech, and feelings, especially in Persian literature, and its effects are evident in human relationships with people and the outside world, which has been raised as one of the topics of psychology in recent centuries. Traces of this concept can be seen in classical works, especially *Mantegho-al-Teir of Attar Neyshaburi* in the story of *Simurgh* in search of *Simurgh*; allegorical and symbolic birds that embark on a perilous journey in search of the eternal and eternal beloved; A group of birds refuse to go on this path according to their inner vision and choose the unreal ideal and project their idea to the true beloved, and finally a small group reaches the beloved. The research method in this research is based on the objective, descriptive-analytical. The findings show that the form of projection is different according to the symbolic nature of the characters, and since there is unity of the subject in the whole work, the type of projections also follows the same subject, which is presented in the form of different worldviews of the characters. As a result, each of the characters have somehow projected their characteristics, thoughts and feelings in a favorable way and suppressed or denied their abilities.

Keywords: Psychology, Projection, Attar Neyshaburi, Mantegho-al-Teir, Allegory.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. f.rabie.lit@iauctb.ac.ir

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Alieh.youseffam@iau.ac.ir

³ . Assistant Professor, Department of Psychology, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Khwarazmi University, Qeshm, Iran. Afshin.tayyebi@iranian.ac.ir

